

گزارش روز

گفت‌وگوی «شرق» با کارشناس بهداشت محیط وزارت بهداشت درباره آلودگی‌های ناشی از انفجار؛

خطر مسمومیت، آلودگی شیمیایی و بیماری‌های تنفسی

زینب رحیمی

شش روز از وقوع جنگ بین اسرائیل و ایران گذشته است. در چند روز گذشته برخی از پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و مخازن نفت و بنزین در تهران و تعدادی از شهرهای دیگر هدف حمله قرار گرفت. وقوع آتش‌سوزی در اثر انفجار و انتشار دودهای غلیظ در هوای شهر و خطر مسمومیت برای شهروندان، توجه به بهداشت محیط را ضروری کرده است. محسن فرهادی، رئیس مرکز سلامت محیط وزارت بهداشت، تاکید دارد از مخازن آتش‌گرفته و ساختمان‌های منفرجه‌شده فاصله بگیرید و در صورت امکان از ماسک‌های بهداشتی و پزشکی استفاده کنید. این کارشناس بهداشت محیط در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد: «تمام مواد شیمیایی قابل احتراق وقتی که به هر دلیل آتش می‌گیرند آلاینده‌های خاصی متصاعد می‌کنند که این آلاینده‌ها می‌توانند از نظر تنفسی خطر مهلک داشته باشند. اگر خیلی به محل آتش‌سوزی این مخازن نزدیک باشیم یا در محیط‌های بسته حادثه رخ بدهد می‌تواند جان انسان‌ها را تهدید کند. در نتیجه شهروندان عادی چون جزء نیروهای امدادی نیستند تا جایی که ممکن است باید از محل احتراق فاصله بگیرند تا حادثه از لحاظ حرارت و خطر انفجار آنها را تهدید نکند».

این کارشناس وزارت بهداشت تاکید می‌کند که از محل حریق مواد شیمیایی و پلاشگاهی باید فاصله گرفت، افرادی هم که در شعاع حادثه قرار دارند بهتر است در منزل بمانند، در و پنجره‌ها را ببندند تا آلایندگی وارد زندگی‌شان نشود؛ «اگر در کانون حادثه قرار داریم یا اگر این آلاینده‌ها در مجاورت ما منتشر شد، ممکن است به ما آسیب بزنند، در نتیجه توصیه می‌کنیم از ماسک‌های N۹۵ و ماسک‌های FFP۱ و FFP۲ استفاده شود که می‌توانند از ذرات و غبارهای ناشی از احتراق محافظت کنند. این ماسک‌ها خوشبختانه در دسترس است و شهروندان می‌توانند آنها را تهیه کنند».

چه کارهایی منتشر می‌شود؟

فرهادی در پاسخ به این سؤال که آتش در مخازن نفت و پالایشگاه‌ها باعث انتشار چه نوع از آلاینده‌هایی می‌شود، می‌گوید: «بستگی به موادی دارد که دچار آتش‌سوزی شده و در حال سوختن است. اگر نفت باشد، فرمی از آلایندگی وجود دارد که با بنزین فرق دارد یا اگر مواد شیمیایی صنعتی یا پتروشیمی باشد، آلایندگی ناشی از آن متفاوت است، اما در عموم این مواد در اثر حریق، دی‌اکسید کربن، سولفید هیدروژن، یا گازهایی مثل بنزن و تولوئن منتشر می‌شود که اینها هم روی تنفس تأثیر می‌گذارند یا می‌توانند تأثیرات مزمن داشته باشند. افرادی که مشکلات تنفسی و ریوی یا بیماری آسم دارند، همچنین زنان باردار، کودکان و نوزادان و کهن‌سالان گروه تأثیرپذیرتری هستند و باید مراقبت بیشتری درمورد آنها اعمال شود».

بنا بر گزارش «شرق»، شهروندان در صورت تگی نفس یا بروز مشکلات ریوی باید به نزدیک‌ترین مرکز درمانی مراجعه کنند. نکته مهم این است که اگر مخزن نفت و بنزین و پالایشگاه‌ها دچار حریق شدند، شهروندان از مراجعه به محل حادثه خودداری کنند. فرهادی تاکید می‌کند: «اگر برای تماشای محل حادثه نرویم و فاصله مطمئنه را حفظ کنیم و اگر گرفتار در کانون حریق نشویم امکان بروز خطر پایین‌تر است در نتیجه باید از دود ناشی از حریق مخازن و پالایشگاه‌ها دور شویم».

توصیه‌ای برای آتش‌نشانیان

این کارشناس بهداشت محیط به آتش‌نشان‌ها هم توصیه می‌کند: «این گروه‌ها به دلیل اینکه آموزش‌های لازم را دیده‌اند طبیعتا خودشان را به‌سادگی در معرض خطر قرار نمی‌دهند. البته ممکن است حادثه در محیطی رخ بدهد که نیروهای امدادی هم در دقایق ابتدایی ندانند که چه موادی دچار حریق شده و چه آلاینده احتمالی منتشر شده است در نتیجه توصیه می‌شود در چنین موقعیتی بر اساس اصول ایمنی و با رعایت تمام احتیاط‌های لازم و تجهیزات کامل در محل حضور پیدا کنند و در کوتاه‌ترین زمان اقدامات خاموش‌کردن آتش را انجام دهند و خود را از محل حادثه دور کنند. یعنی مدت‌زمان اقامت در محیط حادثه هرچقدر کمتر باشد تأثیرات سوء روی بدن هم کمتر خواهد بود».

خودداری از تماس با نخاله‌های ساختمانی

علاوه بر حریق در مخازن نفت و پالایشگاه و پتروشیمی، انفجار در ساختمان‌های اداری و شهری هم ممکن است آلایندگی داشته باشند. این کارشناس بهداشت محیط می‌گوید شهروندان به‌هیچ‌وجه به ساختمان فروریخته دست نزنند و تا جای ممکن وارد آن نشوند؛ «وقتی ساختمانی مورد اصابت قرار می‌گیرد، نخاله‌های ساختمانی را تا شعاعی به اطراف پرتاب می‌کند. اگر ما از آنجا عبور می‌کنیم یا نزدیک محل انفجار هستیم، باید از دست‌زدن و جست‌وجوکردن در این نخاله‌ها پرهیز کنیم».

آزبست خطرناک است

فرهادی با اشاره به اینکه منظور آواربرداری نیست، توضیح می‌دهد: «اگر انفجار در ساختمانی رخ داده و باعث ریزش و پخش نخاله ساختمانی شده است، از دست‌زدن به آن خودداری کنیم؛ چون ممکن است ساختمان قدیمی بوده و از مصالح خطرناکی مثل آزبست در ساخت استفاده شده باشد. می‌دانیم سقف‌های آزبستی دیگر از رده خارج شده و استفاده از آن در سواست‌وساز ممنوع است اما در گذشته استفاده می‌شده، در نتیجه ممکن است در این نخاله‌ها آزبست وجود داشته باشد که تماس و تنفس غبار آن می‌تواند آسیب‌رسان برای رای باشد. اگر با چنین شرایطی مواجه شدیم و امدادگر نیستیم یا شرایط از امداد خارج شده، طبیعتا باید در مواجهه با نخاله‌های ساختمانی دقت کنیم؛ چون نمی‌دانیم بخشی که منفرج شده چه نوع اقلامی را همراه خود دارد. ممکن است مواد شیمیایی یا مواد قابل انفجار آنجا باشد یا در مصالح، از مصالح غیرمجاز مثل آزبست استفاده شده باشد. احتیاط در این مورد هم جدی است». بنا به گفته محسن فرهادی، از آنجا‌که در صورت انفجار ساختمان‌های اداری و مسکونی غبار در هوا منتشر می‌شود بهتر است از ماسک‌های بهداشتی استفاده کنیم. اگر ماسک در دسترس نبود، ماسک‌های پزشکی هم که در دوره کرونا استفاده می‌شد مفید است.

در این میان، وزارت نفت هم توصیه کرده شهروندان نزدیک به تأسیسات نفتی آسیب‌دیده از نزدیک‌شدن به محل حادثه خودداری و محدوده ایمن را رعایت کنند. اگر محل سکونت در نزدیکی تأسیسات نفتی و در مسیر وزش دود قرار دارد در و پنجره‌ها بسته بماند و از حضور در فضای باز پرهیز شود. همچنین مردم مسیرهای امدادی را باز نگه دارند و از توقف و تجمع در اطراف محل حادثه خودداری کنند.

روایت یکی از ساکنان مجتمع مسکونی بزرگی در سعادت آباد که روز اول حملات تخریب شد و جان‌های بسیاری را گرفت از شهادت کودکی ۹ساله تا تخریب بیش از ۱۰۰ واحد



دیگر خانه‌ای برایشان نمانده، همه چیز ویران شده؛ از عکس‌های دسته‌جمعی که روی میز گوشه پذیرایی ردیف شده بود تا کلدان‌های پشت پنجره و عروسک کنار تخت دختر خردسالشان، همه چیز در یک لحظه از بین رفته است. جنگ آشنیانه نمی‌شناسد، کودک و بزرگسال نمی‌شناسد، همه چیز را با خود نابود می‌کند. دشمن با بمب و موشک سراغ آدم‌ها می‌آید؛ می‌آید تا ویران کند و چاره‌ای نیست جز ایستادگی برای جان‌های گران. طبق آخرین داده‌های وزارت بهداشت که برای سه روز قبل است؛ تاکنون ۲۴۴ نفر شهید شده‌اند و در بین آنها از کودک آن بزرگسال، همه قربانی حملاتی شده‌اند که سهمی در آن نداشتند. بسیاری دیگر هم خانه‌های خود را از دست داده‌اند؛ مثل پدر جوانی که با دختر خردسال و همسرش از زیر آوار خود را به بیرون از ساختمان رساندند. خانه ویران شده، پدر اما آرام و متین حرف می‌زند؛ از اولین روز حمله اسرائیل می‌گوید که ساختمان محل سکونت آنها را که مجتمعی بزرگ در میدان کتاب سعادت‌آباد است، هدف قرار داد، بسیاری را شهید کرد و خیلی‌ها را مجروح. ساعت سه بامداد روز جمعه بود که اسرائیل اولین حملاتش به خاک ایران را شروع کرد. سکوت شب با صدای انفجاری شکست. چند نقطه از تهران مورد اصابت موشک‌هایی قرار گرفت که حق هیچ شهروندی نبود. همچون ساکنان مجتمع اسانتید در سعادت‌آباد که با اصابت پرتابه‌هایی به خانه «محمد مهدی طهرانچی»، رئیس دانشگاه آزاد بسیاری را همان شب شهید و مجروح کرد. این پدر جوان به همراه همسر و دختر خردسالش، یکی از ساکنان این ساختمان بودند؛ ساختمانی که به دلیل شدت آسیب، دیگر برای هیچ‌کس قابل سکونت نیست.

به وقت جنگ

«یکباره دیوار و شیشه‌ها تخریب شدند و تکه‌هایی از آن تا صد متر آن طرف‌تر از ساختمان هم پرتاب شدند. چند طبقه آتش‌سوزی شد و چاره‌ای جز فرار از این شرایط نبود»، این جملات بخشی از روایت پدر است که دشمن آشنیانه‌ای برایش نگذاشته. او برای «شرق» توضیح می‌دهد: «آن شب دخترم را از تولد به خانه آوردم، ساعت ۱۲ شب شده بود. همان موقع در اتاقش خوابید. چند ساعت بعد که حدود سه صبح بود، صدای عجیبی آمد. تصور کردم خانه از وسط به دو نیم تقسیم شده است. به همسر گفتم زلزله شده؟ گفت، نه. احتمالا بمب زدند. در یک لحظه خانه ما کاملا ویران شد. دیوار و پنجره‌ها همه تخریب شدند. در تاریکی آن ساعت، دخترم را در خانه صدا می‌زدیم تا پیدایش کنیم. خانه تاریک بود و همه چیز به هم ریخته بود. همه دیوارها خراب شده بودند. خدا را شکر موقع جواب ما را داد. ترسیده بود و روی بدنش شیشه افتاده بود. تمام در و پنجره‌های خانه شکسته بود و دیوارها ریخته بود. تخت خواب دخترم نزدیک پنجره بود. اما خدا خواست آسیب چندانی نبیند. سه نفری دست یکدیگر را گرفتیم و پابرنه با لباس خانه، از واحد بیرون رفتیم». آن شب از طبقه سوم تا هشتم ساختمان تخریب شد و بیشتر واحدها به دلیل این حمله آتش گرفت؛

«شیشه‌های پنجره سمتی که دخترم خوابیده بود، روی دخترم ریخته بود و منجر به شکستن سرش شد. از آنجایی هم که پابرنه از خانه بیرون آمدیم، پاهایش در تماس با شیشه‌ها و آتش سوخته بود. پای همسرم هم به همین دلیل با شیشه برید. وقتی آمبولانس از راه رسید، ما را به بیمارستان مطهری منتقل کرد. بعد از چند ساعت معالجه ترخیص شدیم، ولی آثار روانی آن شب هنوز در ما مخصوصا در دخترم باقی مانده است. هر چقدر هم که بیشتر از آن روز می‌گذرد، اثرش در دخترم بیشتر می‌شود».

دیوار سالمی در ساختمان آنها باقی نمانده و مرتب در حملاتش تکرار می‌کند: «به شکل معجزه‌آسایی زنده ماندیم». بعد حرفش را ادامه می‌دهد: «برای ما معجزه رخ داد؛ چون تمام پنجره‌ها از جا کنده شده بود و تا حدود صد متر آن طرف‌تر از ساختمان پرتاب شده بود. دیوار کنار تخت دخترم کامل از بین رفته ولی جالب است که خودش آسیب چندانی ندیده است. در آن لحظه ما اصلا نمی‌دانستیم کدام بخش از ساختمان مورد حمله قرار گرفته و به صورت اتفاقی، سه نفری از پله‌های اضطراری شرقی ساختمان، خودمان را به بیرون رساندیم؛ در صورتی‌که اگر از بخش غربی قصد خروج داشتیم، آسیب بیشتری می‌دیدیم. وقتی به طبقه پنج و شش رسیدیم، تخریب خیلی شدید و همراه با آتش‌سوزی بود. کل طبقه از بین رفته بود؛ چون در این دو طبقه آقای طهرانچی –رئیس دانشگاه آزاد– و محافظ‌هایش مورد هدف قرار گرفته بودند. همین مسئله باعث شد چهار طبقه با هم آتش بگیرد. الان خانه ما دیگر قابل سکونت نیست و از بیرون ساختمان هم تخریب کاملا پیداست. ساختمان کاملا از هم باز شده و رفت و آمد در آن خطرناک است. گروه‌هایی که برای بررسی به ساختمان آمده بودند، تصور نمی‌کردند از واحدهای تخریب‌شده کسی سالم مانده باشد و در گروه ساختمان مرتب پیام می‌گذاشتند تا واحدهای آسیب‌دیده از خودشان خبری بدهند، یعنی آن‌قدر وضعیت فجیع بود که کسی فکر نمی‌کرد ما سالم بمانیم».

این خانواده حالا خانه‌ای ندارد. آشنیانه گرم‌شان، با تمام خاطراتی که در آن داشتند، از بین رفته است؛ «در حال حاضر دیگر جایی برای زندگی نداریم، کل خانه و وسایلش از بین رفته و الان مجبوریم در خانه برادرم زندگی کنیم. شاید بتوان گفت بیش از ۸۰ درصد خانه از بین رفته است.

روایت یکی از ساکنان مجتمع مسکونی بزرگی در سعادت آباد که روز اول حملات تخریب شد و جان‌های بسیاری را گرفت از شهادت کودکی ۹ساله تا تخریب بیش از ۱۰۰ واحد



عکس: احمدحسینی چهاران

دیوارها کامل ریخته یا از هم باز شده است و همین باعث شده ساختمان الان کاملا معلق باشد. آنجا دیگر جای زندگی کردن نیست. نمی‌دانم چه پیش خواهد آمد، تنها می‌دانم که آنجا دیگر برای زندگی‌کردن مناسب نیست».

از شهادت کودکی ۹ساله تا تخریب بیش از ۱۰۰ واحد

این حمله، به بیش از صد واحد آسیب جدی رسانده که برخی از ساکنان مجروح و برخی دیگر کشته شده‌اند. این مرد جوان توضیح می‌دهد: «حدود صد واحد از برج c۱ و c۲ و بخش‌هایی از برج D آسیب جدی دیده‌اند. ما هم در برج c۲ زندگی می‌کردیم که از طبقه سوم تا هشتم کاملا تخریب شده است. آنچه به ما گفتند این بود که آوارهای طبقات بالا، روی طبقه سوم ریخته و آنجا هم آتش‌سوزی شده است؛ به همین دلیل تعداد زیادی از ساکنان دچار سوختگی شده‌اند. غیر از شهید «محمد مهدی طهرانچی» که هدف حمله بودند، دیگران، همه از شهروندان معمولی بودند. در طبقه ششم، دختر یکی از ساکنان شهید شد و در طبقه سوم هم فرد دیگری دچار سوختگی خیلی شدید شده، ولی در حال حاضر تعداد دقیق شهدا را نمی‌دانم. همسایه واحد دیوار به دیوار ما که آقای احسان اشرافی بود، همراه با دختر ۹ساله‌شان به نام «باران» هم شهید شدند».

در تمام بحران‌هایی که در این سال‌ها مردم کشور تجربه کردند، نیروهای امدادی کنار مردم بودند. حالا هم با وجود حملات اسرائیل به خاک ایران، مجروحان بسیاری بر جای گذاشته، بیمارستان‌ها مملو از شهروندانی است که به معالجه‌های سریع نیاز دارند و کادر درمان شبانه‌روز در مراکز درمانی کنار آنها هستند. مراکز امدادی دیگر از نیروهای آتش‌نشانی، هلال‌احمر و ارگان‌های دیگر نیز در این روزها فعالیت مستمر خود را ادامه می‌دهند. باین‌حال طبق اخبار منتشرشده، به نقل از سخنگوی جمعیت لالال احمر، ۲۶ خرداد یک خودروی آمبولانس که برای انتقال مجروحان و مصدومان حمله رژیم صهیونیستی در شهر تهران اعزام شده بود، مورد اصابت مستقیم حملات قرار گرفت و سه نفر از امدادگران به شهادت رسیدند. همچنین تا روز ۳۰ خرداد، یعنی نهمین روز حملات اسرائیل، دست‌کم ۱۵ امدادگر در این حملات زخمی شده‌اند.

پیگیری‌های «شرق» درباره خسارت‌های مالی وار دشده به شهروندان /یک حقوق‌دان تأکید کرد:

دولت مکلف به جبران خسارات شهروندان است

به تنوع خسارت در شرایط بحران، نمی‌توان جبران خسارت همه را براساس یک قاعده انجام داد و دولت باید به صورت موردی در این زمینه اقدام کند». این حقوق‌دان تأکید می‌کند که به جز شرکت‌های بیمه طرف قرارداد با مردم، بخشی از جبران خسارت توسط دولت نیز از طریق بانک مرکزی انجام می‌شود؛ «از قبل صندوق برای تأمین منابع مالی برای جبران خسارت شهروندان در چنین مواردی در نظر گرفته شده و ارگان‌ها و سازمان‌های حاکمیتی موظف هستند یک درصد از بودجه خود را به خزانه بپردازند تا دولت بخشی از خسارات در مواقع ضروری با تنگنای مالی مواجه نشود. بنابراین دولت‌ها مکلف هستند خسارات افراد را جبران کنند. مثلاً در خسارات جانی از پرداخت هزینه‌های درمانی تا بهبودی کامل شخص، پرداخت دیه به دلیل فوت یا نقص عضو، خسارات مالی اعم از خسارات وارده به خودرو و مناطق تجاری و... را برآورده کند. موضوع پرداخت خسارت توسط دولتی بخشی از خسارات شهروندان را می‌باشد، ممکن است دولت جبران خسارات نکند». او اضافه می‌کند: «باین‌حال اگر شهروند مدعی شد که خسارت بیشتری به او رسیده و آنچه بیمه پرداخت کرده تمام و کمال خسارت او را جبران نمی‌کند، دولت مکلف به جبران خسارت می‌شود. در این موارد خاص، دولت‌ها مصوبه و ماده واحده‌ای را در نظر می‌گیرند و به صورت موردی جبران خسارت می‌کنند. مثلاً می‌توان به مصوبه شماره ۳۳۸۱۹ مصوب چهارم شهریور ۱۳۷۶ درباره جبران خسارت ناشی از جنگ در راستای اصل ۱۲۷ قانون اساسی و ضوابط بازسازی مناطق جنگ‌زده اشاره کرد. با توجه



شادی مکی

مکلف به جبران خسارت است». جعفرپور در این رابطه به یک چالش اساسی اشاره می‌کند: «این چالش اساسی که معمولا دولت‌ها و به تبع آن شهروندان با آن مواجه می‌شوند، مربوط به میزان و نحوه جبران خسارت است. به این معنا که آیا جبران خسارت مدنظر شهروندان را دولت می‌تواند در شرایطی مانند جنگ، تمام و کمال جبران کند و آیا در این زمینه ضوابطی موجود است؟ دراین‌باره یک استثنا وجود دارد؛ یعنی شرکت‌های بیمه مکلف هستند در مواردی بخشی از خسارات شهروندان را جبران کنند؛ یعنی در مواردی که مردم به بر قواعد مکلف به رعایت الزامات شرکت‌های بیمه بوده‌اند، مانند پوشش بیمه‌ای آتش‌سوزی اموال و... یا مثلاً اینکه تمام دارندگان خودرو گاه هستند که بیمه شخص ثالث اجباری است. بنابراین اگر قانون بیمه اجباری شهروند را ملزم به بیمه‌کردن مال یا اموالی کرده باشد، ممکن است دولت جبران خسارت نکند». او اضافه می‌کند: «باین‌حال اگر شهروند مدعی شد که خسارت بیشتری به او رسیده و آنچه بیمه پرداخت کرده تمام و کمال خسارت او را جبران نمی‌کند، دولت مکلف به جبران خسارت می‌شود. در این موارد خاص، دولت‌ها مصوبه و ماده واحده‌ای را در نظر می‌گیرند و به صورت موردی جبران خسارت می‌کنند. مثلاً می‌توان به مصوبه شماره ۳۳۸۱۹ مصوب چهارم شهریور ۱۳۷۶ درباره جبران خسارت ناشی از جنگ در راستای اصل ۱۲۷ قانون اساسی و ضوابط بازسازی مناطق جنگ‌زده اشاره کرد. با توجه

روایت جنگ

روایت شهادت دکتر «محمدحسین عزیزی» از زبان همکارش؛
پیکر دکتر ۵۰۰متر دورتر از محل حادثه پیدا شد



زهرای جعفرزاده؛ ظهر یکشنبه ۲۵ خرداد، دکتر «محمدحسین عزیزی» حوالی میدان تجریش تهران مشغول صحبت با تلفن بود که ناگهان انفجاری رخ داد. همکارش که پشت تلفن بود هرچه تماس گرفت دیگر نتوانست ارتباطی با او برقرار کند. روز بعد پیکرش را ۵۰۰ متر دورتر از محل انفجار پیدا کردند و دو روز بعدش، جسد شناسایی شد. با این حال هنوز پیکر تحویل داده نشده و خاکسپاری انجام نشده است. دکتر محمدحسین عزیزی متولد ۲۵ اسفند ۱۳۳۷ در فسای استان فارس بود.

ابراهیم رزمیا، دبیر انجمن متخصصان گوش و حلق و بینی و از همکاران و دوستان نزدیک دکتر عزیزی، به «شرق» می‌گوید که او بسیار مظلوم شهید شد و مظلوم هم پیدا شد. او می‌گوید: «دکتر عزیزی اهل فسا در استان فارس بود. دوره پزشکی عمومی را در دانشگاه شیراز گذرانده و دوره تخصص را در دانشگاه علوم پزشکی ایران گذرانده بود. متاهل و دارای یک فرزند دختر است. دخترش فوق‌تخصص دامپزشکی و ساکن کاناداست که به دلیل شرایط تنگناسته خودش را به تهران برساند. نه کسی از خارج ایران می‌تواند به تهران بیاید و نه کسی از شهرستان». رزمیا که رفاقت و همکاری طولانی با دکتر عزیزی داشته در حالی که بغض راه گلیوش را می‌بندد، می‌گوید دکتر عزیزی از فرهیختگان حوزه گوش و حلق و بینی بود. مورخ و ژورنالیست بود، مقالات زیادی داشت. عضو هیئت‌علمی فرهنگستان علوم پزشکی و مسئول مجله پزشکی این فرهنگستان بود. او مدتی سردبیر مجله «آوای دوست» انجمن گوش و حلق و بینی بود. فردی بسیار فعال و مورد اعتماد بود. در تهران مطب داشت و در بیمارستان میلاد هم فعالیت می‌کرد.

او یک انسان نجیب، نویسنده و ادیب بود؛ «بیش از ۲۵ سال است که طبابت می‌کنم و می‌توانم بگویم که او کامل‌ترین شخص از نظر اخلاقی، علمی و فرهنگی بود. فقدان بزرگی برای جامعه پزشکی رخ داده است». به گفته او، قرار است مراسمی از سوی انجمن و فرهنگستان علوم پزشکی برای او برگزار شود اما هنوز مقدمات خاکسپاری انجام نشده است.



گفت‌وگوی «شرق» با برادر زنی ۶۸ساله که از صدای انفجار جان باخت
پیکر «فرزانه» را همسایه‌ها پیدا کردند

شادی مکی؛ بامداد جمعه ۲۳ خرداد فرزانه در اثر صدای هولناک اصابت اولین پرتابه اسرائیلی جان خود را از دست داد. برادر فرزانه با صدایی گرفته اما شمرده و آرام در گفت‌وگو با «شرق» تعریف می‌کند: «همان اولین صدای انفجار که در تهران پیچید کافی بود که خواهر عزیزم از دست برود. یک هفته است که جای فرزانه در جشمان ما خالی است و هرگز بر نمی‌شود». فرزانه ۶۸ساله بود و دارای بیماری آسم. با این حال اگر آن صدای لعنتی در گوش تهران نمی‌پیچید و آن لحظه از راه نمی‌رسید، سفر فرزانه چنین زود و غیرمنتظره اتفاق نمی‌افتاد و خانواده‌اش داغدار نمی‌شدند؛ «منزل خواهرم در شهر پزند است. اولین انفجار مهیبی که ناغافل رخ داد، فرودگاه امام را هدف گرفته بود؛ جایی در نزدیکی منطقه پزند. خواهرم سابقه بیماری آسم داشت و به دلیل ترس و اضطراب ناشی از صدا و انفجار ناگهانی دچار حمله شدید آسم شد».

برادر ادامه می‌دهد: «خواهرزاده‌ام هر قدر با او ازنس تماس گرفت فایده نداشت. تمام خطوط آن لحظه اشغال بودند. س‌آخر هم با کمک همسایه‌ها خواهرم را که توان نفس‌کشیدن نداشت به بیمارستان رساندند. آنجا گفتند از دنیا رفته است. نمی‌دانیم در منزل قلبش ایستاد یا در مسیر یا شاید هم در بیمارستان، فقط فهمیدیم که فرزانه دیگر نیست و پرکشیده است».